

### از کوچه ما تا کوچه آنها…

خواننده لس آنجلسی که موزیک ویدئوی «کوچه» را بیرون داد شاید کسی فکر نمی کرد موضوع قرار است تا این اندازه بیخ پیدا کرده و به کوچه‌های شهرهایمان هم سرایت کند. ما ساده بودیم و نمی دانستیم زیر پوست این شهر دقیقاً دارند از اسامی کوچه‌هایمان حذف‌زادی می‌کنند. حالا که یاد این جمله آن پسر قفیه به دوش کلیپ خواننده لس آنجلسی می‌افتیم که می‌خواند: «به نسترن بگو اسم منو روی کوچه‌مون نذارن» یواش یواش شصتمان خبر دار شده که دارد چه اتفاقی می‌افتد. یک دفعه چه می‌شود که نام شهید روی کوچه‌ها موضوع شعر شاعر غرب‌زده‌ای می‌شود که سال‌هاست به لس آنجلس نشین‌ها خوراک می‌دهد و چه اتفاقی افتاده که این اسم من را روی کوچه نگذارید به طور کاملاً اتفاقی مصادف می‌شود با حذف واژه شهید از روی کوچه‌های شهر. حالا مخالفان نظر به تئوری توطئه در چه دلشان می‌خواهد بگویند اما وقتی صغرا کبرای مسئله خودش جلوی چشم‌های ما کنار یکدیگر می‌نشینند نباید کسی انتظار داشته باشد خودمان را به کوچه نفهم‌ها بزнім و سوت بلبل‌ی‌زان از کنار این همه وقاحت عبور کنیم.

شهید و شهادت همان چیزی است که دست مدعیان دروغین آزادی از آن خالی است. وقتی شما در این وادی ایداً حرفی برای گفتن نداشته باشید احتمالاً راه یک نیاختن قافیه این است که دست طرف مقابل را هم خالی کنید. حالا اگر با شهیدسازی در فتنه ۸۸ کاری از پیش نرفت و نقشه اقل‌سلطان ساری درنگ‌رفت و حتی یک مرده را هم نرشد زنده کرد، نهایت کار به جایی می‌رسد که باید از اساس شهید و شهادت را حذف کرد تا این نقطه‌ضعف دار و دسته و طبقه و قشر ما کمتر به چشم بیاید. چقدر هم این همنوایی داخل و خارج تصادفی و پیهویی می‌شود. امروز ترانه کوچه خواننده لس آنجلسی با حذف واژه شهید از کوچه‌هایمان هم‌زمان شده و دیروز حذف داستان شهید فهمیده از کتاب‌های درسی دبستان با مانور رسانه‌ای بی‌بی‌سی فارسی و من‌وتو در یک زمان رخ داد. اصلاً هم معلوم نیست از تباط اینها با هم و ما هم مثلاً اصلاً نفهمیدیم این تقران‌ها را با یکدیگر، بنام کلام آن امامی را که فرمود: «شهدا شمع محفل دوستانند، شهدا در قفیه‌هست مسلمان و در شادی و صولشان «عند ربهم برزقون» اند و از نفوس مطمئن‌های هستند که مورد خطاب «فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی» پروردگارتند» و باز هم فرمود: «شهادت ارثی است که از اولیای ما به ما می‌رسد، آنها باید از مردن بترسند که بعد از مرگ، موت را فتا می‌دانند، ما که بعد از موت را حیات بالاتر از این حیات می‌دانیم چه باکی داریم» و نیز فرمود: «خدا می‌داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست و این ملت‌ها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود» و بنام کلام رهبر فرزانه‌ای را که درباره مقام شهید و شهادت عنوان کردند: «مروز، به فضل همین شهادت‌ها و به برکت خون شهدا، ملت ما ملت سربلند و آبرومندی است و ملت‌ها آبرو و عزت را این‌گونه باید پیدا کنند» و باز فرمودند: «فرزندان شهدا بداندند که پدران آنان موجب شهادت که اسلام، در چشم شیطان‌ها و طاغوت‌های عالم، ابهت پیدا کند».

در خارج از ایران و در همین غرب که مدینه فاضله محافل غرب‌زده این مرز و بوم است برای کشته‌های جنگ‌هایمان بیشتر و بهترین یادمان‌ها را می‌زنند. برای کشته‌های واقع مشکوک ۱۱ سپتامبر طی این سال‌ها در همه شهرهای امریکا سازه‌های هنری پرشماری به عنوان یادمان ساخته شده است و مقام کشته‌های جنگ در همه کشورهای پیشرفته جهان مقامی شامع تلقی می‌شود. ولی به حال آن مردمی که حتی نام چند کوچه را نیز از جان باختگان جنگشان دریغ کنند. واضح است که نام و یاد شهیدان از کوچه‌ها و گذرهای شهرهای این مرز پرگهر پاک‌شدنی نیست و نخواهد بود. آن‌ها شاله.

## دیدهبان

پود پیت:

**ترامپ تهدیدی برای مسائل جدی است**
**برد پیت** در مصاحبه اخیر خود، رئیس‌جمهوری آمریکا را هدف قرار داد و گفت: **ترامپ برای برخی مسائل جدی تهدیدی مهم محسوب می‌شود.**

به گزارش فارس به نقل از سایت هیل، برد پیت برنیهسه مشهور هالیوودی در جریان مصاحبه اخیرش با دو دی‌مچنگ که یک روزنامه هفتگی در فرانسه است، خواسته شد تا نظر‌اش درباره ترامپ را بیان کند که در اوایل سال جاری بر شراب‌های وارداتی فرانسوی تعرفه مقرر کرده بود و دولت فرانسه نیز در پاسخ، گوگل را هدف قرار داد.

این مصاحبه به نوعی تعدمی محسوب می‌شود چراکه در سال‌های اخیر مسئله اعتیاد برد پیت به مشروبات الکلی که به جدایی او از آنجلینا جولی هم منجر شد، به وفور در رسانه‌های غربی منعکس می‌شود.

پیت که صاحب یک تاکستان در فرانسه است، به این روزنامه گفت: «من نمی‌دانم ولی متأسفانه ترامپ تهدیدی بزرگ برای مسائل جدی در امریکاست.»



روزنامه جوان | شماره ۵۷۴۹ | چهارشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۸ | ۱۸ محرم ۱۴۴۱ | اذان ظهر: ۱۲:۵۹ | غروب آفتاب: ۱۹:۰۱ | اذان مغرب: ۱۹:۴۶ | نیمه شب: ۰۱:۰۷ | اذان صبح فردا: ۵:۲۵ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۴۹

# مراقب هیولای درونت باش!

## مدیری به ما نشان می‌دهد ضعف‌های جامعه چطور می‌تواند آدم‌های سالم را تبدیل به یک هیولا کند

هیولا روند تحولی یک انسان خوب را می‌بینیم که میل و رغبت به هیولا شدن دارد. هوشنگ با سه تراول قلبی در دامی می‌افتد که اتفاقاً خودش هم از این دام بدش نمی‌آید اما در هر قسمت شاهدیم که هوشنگ قبل از اینکه بخواهد مرتکب کار غیرقانونی و خلاف شود به شکلی کمیک (از نظر بصری) به مردم کمک می‌کند و این نشان می‌دهد هوشنگ با وجود علاقه به زندگی شرافتمندانه و رسیدن به آرزوهایش حاضر است نسبت به شرافتی که دارد کوتاهی کند و برای تحقق آرزوهایش در جامعه‌ای که به خواسته‌هایش بی‌اعتناست چشمش را ببندد، از سوی دیگر کامروا را به عنوان یک هیولای بزرگ می‌بینیم که شاید به طور دقیق به آن پرداخت نشده باشد، به طوری که تلاش نویسنده و کارگردان بیشتر در خلق کاراکتر هوشنگ شرافت بوده است و آنچه از کامروا و پسرش می‌بینیم یک نگاه تیبیکال است که هرگز به شخصیت نرسیده‌اند. انگار شخصیت کامروا را در چند سریال مدیری دیده‌ایم که البته مقتضیات شخصیتی هوشنگ غیر افتادن او در موقعیت‌های مختلف و اشتباهی و تعجب او ما را به یاد سیامک انصاری در سریال‌های مدیری می‌اندازد و همچنین هوشنگ شرافت بی‌شاهت با مسعود شمت‌چی نیست، اما در هیولا با توجه به تعدد کاراکترها که در بعضی قسمت‌ها وجود دارند در بعضی جاها این کاراکترها بدون توجه غائبند یا در آخر خبری از آنها نمی‌شود. موضع و نگرش سریال درباره هوشنگ شرافت است. یک آدم ضعیف و بی‌دست و پا وقتی به پست و مقامی می‌رسد با صاحب‌خانه‌اش طور دیگری حرف می‌زند و زمانی که همه چیز از او گرفته می‌شود باز به همان آدم مغلوب تبدیل می‌شود. نشان دادن این دو موقعیت در چند بازه زمانی کاملاً نشان از یک آدم چند شخصیتی دارد.

هوشمندی مدیری در سریال هیولا یک تذکر مهم به مخاطب است؛ اینکه آیا همه مثل هوشنگ شرافت ظرفیت هیولا شدن را دارند؟ هیولای که پول و موقعیت برای آدم‌ها ایجاد می‌کند. اینکه برای خیلی از آدم‌ها ثروت جای وجدان را می‌گیرد شاکله سؤال مهم سریال است. اینکه مشکل وزارت ارشاد با پایان‌بندی هیولا چه بوده است در حال حاضر مشخص نیست، شاید نشان دادن اختلاس‌گران و برخی مسئولان مجرم در زندان باشد که علاوه بر زندانی بودن خیلی هم در حبس به آنها بد نمی‌گذرد. این را در دیالوگ هوشمند و مادرش فقط می‌شنویم اما باز برمی‌گردیم به شخصیت اصلی و هسته مرکزی سریال یعنی هوشنگ شرافت. چقدر خوب که برخلاف سریال‌های دیگر یک پایان متفاوت را می‌بینیم. شرافت پس از سه ماه حبس آزاد می‌شود و به فروشگاه می‌رود و دوباره میل دارد که کار ماهو بخرد. مخاطب در اینجا فکر می‌کند هوشنگ پس از سه ماه دچار تنگی روح شده است اما نادان آن‌چک‌پول قلبی به‌فروشنده

یایکته تراول مجال‌ه شده از سطل پاره‌باله برمی‌دارد و سیگاری آتش می‌زند. نشان می‌دهد هنوز نتوانسته به شرافت قبلی خود بازگردد و آن سگوار و پرشت به دوربین شدنش شاید تغییر نگرش همیشگی او به شرافت باشد، این پایان‌بندی می‌تواند مهم‌ترین نکته سریال باشد و اینکه این داستان هنوز هم می‌تواند ادامه داشته باشد.

سریال هیولا صرفاً برای سرگرمی ساخته نشده و تلنگر می‌زند که همه می‌توانند یک هیولا باشند اما باید موقعیت آن پیش بیاید. این نگاه شاید نسبی گرایانه به نظر برسد اما روی دیگر ماجرا می‌شود. این می‌تواند این باشد که آدم‌ها بی‌بیشتر باید دنیا را جدی بگیرند و به عاقبت کار فکر کنند.

## ماهنامه «شاهد یاران» یادمان مطبوعاتی «مدافعان حریم آل الله» را منتشر کرد

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم، پیام حجت‌الاسلام شهیدی محلاتی نماینده ولی قفیه، معاون رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران درباره شهدای حرم و گفت‌وگوی شاهد یاران با پدر و مادر شهید مظلوم مدافع حرم، شهید محسن حججی از مطالب خواندنی این شماره از ماهنامه شاهد یاران است شهید کاظمی، الگوی سختگروی شهید بود، علی، عاشق امام حسین (ع) بود، شهدی که دوست داشت مجاهد باشد، محمد، همسری صبور و جهادگری بی‌ادعا بود، خداوند بندگان متواضعش را دوست دارد، از نیت‌های اصلی گفت‌وشنودهای یادمان «مدافعان حریم آل الله» هستند.

### روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله گنجی
سر‌دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میزای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نامبر: ۶-۸۸۴۵۶۳۴۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۴۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

روزنامه جوان | شماره ۵۷۴۹ | چهارشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۸ | ۱۸ محرم ۱۴۴۱ | اذان ظهر: ۱۲:۵۹ | غروب آفتاب: ۱۹:۰۱ | اذان مغرب: ۱۹:۴۶ | نیمه شب: ۰۱:۰۷ | اذان صبح فردا: ۵:۲۵ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۴۹

### حکمت ۲۰۴

مستمند فرستاده خداست، کسی که از او دریغ دارد از خدا دریغ داشته و کسی که به او عطا کند به خداوند عطا کرده‌است.



## انجمن سینمای جوانان زیر انگشت اتهام باندبازی و نخبه‌کشی

### پاسخ انجمن: منتقدان دچار اشتباه شده‌اند

هادی عسگری

انتقادات تند چند کارگردان فیلم کوتاه از انجمن سینمای جوانان ایران و اتهام «باندبازی» و «استعدادکشی» به این انجمن بی‌ا‌کنش انجمن روبه‌رو شد و منتقدان را به عدم‌اطلاع از فعالیت‌های انجمن سینمای جوانان ایران متهم کرد.

انجمن سینمای جوانان ایران، دچار باندبازی است. این بخشی از انتقادات صریح فیلمسازانی است که بسته‌فیلم‌های کوتاه‌شان با عنوان «پنجگاه» روی پرده رفته است. این فیلمسازان در نشستی که در خیرگزاری «مهر» برگزار شده‌است به موضوعات مختلفی پیرامون ساخت و ارکان فیلم کوتاه می‌پردازند. از جمله انتقاد آنها به گروه «هنر و تجربه» و عملکرد انجمن سینمای جوانان ایران است. این انتقادات که به اسامی و عملکرد انجمن بازمی‌گردد، با واکنش منفی انجمن سینمای جوانان روبه‌رو شده است.

سجاد حبیبی، کارگردان فیلم کوتاه «ملاقات محرمانه خانم و آقای»، در انتقاد از عملکرد انجمن سینمای جوانان ایران می‌گوید: «فضیلت در این‌ها دیگر به این سادگی‌ها نیست، گویا انجمن اصلاً به فیلمساز نگاه نمی‌کند، بلکه به اعتبار خود توجه می‌کند، یعنی برای خود گروهی درست کرده و به واسطه لینک‌هایی که دارد، فیلم‌هایش را پرزنت می‌کند و دست به تولید اناری با سینماست‌ها و تگانه خود می‌زند. اصلاً مثل قبل نیست، حالا دیگر باید شرایط و لینک‌هایی داشته باشی تا بتوانی با انجمن همکاری کنی.» حبیبی با بیان اینکه انجمن سینمای جوانان به شدت انحصاری عمل می‌کند، ادامه می‌دهد: «به‌نظرم انجمن سینمای جوانان ایران یکی از استعدادهای سر‌ترین سازمان‌هایی است که در حوزه فیلم کوتاه کار می‌کند؛ یکی از بچه‌ها می‌گفت آنقدر که از این شرایط خسته شده می‌خواهد فیلم بلند بسازد چراکه باندبازی در عرصه فیلم کوتاه خیلی بیشتر از فیلم بلند است. انجمن سینمای جوانان ایران طی این سال‌ها چه کرده است؟ در جشنواره‌ها هم که وضعیت مشخصی دارد یعنی گویا جشنواره‌ها روی هم کبی می‌کنند و فیلم‌ها در همه جشنواره‌ها تکرار می‌شوند. من مطلقاً این حرف‌ها را به این دلیل نمی‌زنم که آنها با ما همکاری نکنند بلکه چراکه همین الان هم به ما پیشنهاد بدهند قطعاً می‌گویند با یک دید خاص فیلمتان را بسازید و مدام سفارش می‌کنند، این چیزی است که ما قبول نمی‌کنیم.»

آرش محمودی، کارگردان «برده توری» می‌گوید: «ورود انجمن و تولید فیلم برای آن به قدری پیچیده و دشوار است که برای ما اصلاً امکان‌پذیر بوده و به آن را دیگر نمی‌دانیم،



یعنی نمی‌دانیم این موضوع با پول مستکت است یا رابطه یا… در حالی که به‌نظرم باید به همه یکسان نگاه کند.»

این فیلمسازان همچنین به شرایط ارکان فیلم در گروه هنر و تجربه‌نقدارض دارند. میثم عباسی کارگردان فیلم کوتاه «هرگار» درباره اینکه چرا همه افرادی که فیلمشان در گروه هنر و تجربه به ارکان شده نسبت به ارکان سانس‌بندی با این گروه گلايه دارند، می‌گوید: «من هم احساس می‌کنم به صورت رندم این اتفاق می‌افتد. البته شاید وضعیت فیلم کوتاه بدتر باشد ولی قطعاً دیگر فیلمسازان هم از سانس‌بندی و سالن‌های بد «هنر و تجربه» نمی‌صبیب‌نمانده‌اند.»

انتشار انتقادات فیلمسازان فیلم کوتاه از عملکرد «انجمن سینمای جوانان ایران» با پاسخ این انجمن روبه‌رو شد؛ پاسخی که با این سؤال آغاز می‌شود «کدام استعداد کشتی؟» و ادامه می‌دهد: «به‌نظرم می‌رسد استفاده از واژه «استعدادکشت» برای نهادی که چهار دهه کارش کشف و پرورش استعدادهای فیلمسازانی بوده در دور از انصاف است.» انجمن سینمای جوانان در ادامه فیلمسازان معترض را به عدم‌شناخت انجمن متهم می‌کند و می‌نویسد: «لشتباه این چهار دوست آن است که هیچ شناختی از این نهاد ندارند و تلاشی هم نکرده‌اند که به حداقل شناخت برسند تا آنجا که گلايه می‌کنند «عضو انجمن شدن کار دشواری است» در صورتی که انجمن سینمای جوانان ایران از اساس چیزی به عنوان «عضوگیری» ندارد.» در این متن بارها فیلمسازان به اشتباه و شناختن انجمن متهم شده‌اند و در پایان انجمن با تقدیر از گروه «هنر و تجربه» فیلمسازان معترض خود را به مطالعه و تحقیق پیش از سخن گفتن دعوت می‌کند

انجمن سینمای جوانان ایران یکی از زیرمجموعه‌های مهم سازمان سینمایی است که از زمان حضور رئیس جدید سازمان سینمایی شایعات زیادی درباره جابه‌جایی و تغییر در مدیریت آن منتشر شده است.

## سیاست‌های شما با چه چیزی همخوانی دارد آقای هنر و تجربه!

گروه «هنر و تجربه» همزمان با رونمایی از مستند «بانو» از ارکان نشدن آن خبر داد



و تجربی آمده است: «گروه سینمایی «هنر و تجربه» تلاشی برای نمایش آن دسته از فیلم‌های باارزشی در میان فیلم‌های غیرتجاری است که ارکان‌شان می‌تواند جایگاه شایسته درخور سازندگان آنها را در جامعه سینمایی روشن کند و به ارتقای دانش سینمایی تماشاگران و ارتقای کیفیت هنری سینمای ایران کمک کند.»

واقعیت این است که تدبیر و راه‌اندازی حرکتی مانند ایجاد گروه سینمای هنر و تجربه، اگر چه دارای ایرادات و اشکالات شکلی و محتوایی قابل توجهی است اما نفس شروع یک چنین حرکتی، اقدامی نوپدیدخش برای فیلمسازان کم‌نام و نشان کشور به حساب می‌آمد که می‌خواستند قدم در راهی بگذارند که نتیجه‌اش پرورش فیلمسازان جوان و باتalگیره‌ای باشد که در آینده نه چندان دور ایفایکننده نقش پیشران‌های سینمای کشورمان باشند. مع‌الاسف، گروه هنر و تجربه با این اقدام خاددستانه و البته عجولانه‌اش چنین راهی را مسدود کرده است.